یادداشت

احسان محمدی

صلاح «تراکتور» خویش «زنوزی» داند!

اخراج شدن سرمربی در تراکتور اتفاقی تکراری است. مثل طلوع آفتاب از شرق. مالک این باشگاه در هر فصل به طور متوسط چهار سرمربی را عوض می‌کند. داخلی می‌رود، خارجی می‌آید، خارجی می‌رود داخلی می‌آید. با چنین نوسانی انتظار فتح جام در لیگ برتر مثل دعا کردن زیر درخت موز است که آناناس بدهد.

علیرضا منصوریان اولین قربانی لیگ برتر شد. فقط ۵ هفته از لیگ گذشته و تراکتور از مجموع ۱۵ امتیاز ممکن ۶ امتیاز کسب کرده است. یک پیروزی، سه تساوی و یک شکست. آن هم در غیاب هواداران پرشور این تیم. پرونده‌اش را بستند تا در شبکه‌های اجتماعی سر به سرش بگذارند که «برف تبریز را دید و رفت»، «هنوز تُرکی را یاد نگرفته بود که اخراجش کردند»، «محمود فکری حالا شب خواب ندارد که منصوریان در استقلال جایش را بگیرد» و...

باشگاه اعلام کرد «نظر به عدم تحقق اهداف تعیین شده در هنگام عقد قرارداد، هیأت مدیره باشگاه برای قطع رابطه قراردادی با علیرضا منصوریان به توافق رسید.» احتمالاً حد نصاب امتیازی را در نظر گرفته بودند که به آن معدل نرسید.

خودش اما اعلام کرد از طریق وب سایت باشگاه خبر اخراجش را شنیده و هیچکس هیچ صحبتی با او در این مورد نکرده است. موضوعی که نشان می‌دهد بعد از بیست سال برگزاری لیگ، اطلاق عنوان «حرفه‌ای» به آن گزافه‌گویی و تعارفی ایرانی همراه با اغراق است.

منصوریان با تراکتور در هفته اول در تبریز مقابل نفت مسجد سلیمان به تساوی ۰-۰ رسید (تیمی که با همین نتیجه پرسپولیس را هم متوقف کرد و در هفته پنجم سه گل به سپاهان زد)، در هفته دوم و در گامنشهر مقابل نساجی به تساوی ۱-۱ رسید، در هفته سوم با یک گل در اصفهان مقابل سپاهان شکست خورد، در هفته چهارم با یک گل مس رفسنجان را در خانه حریف شکست داد و در هفته پنجم در ورزشگاه خالی از تماشاگر یادگار امام مقابل فولاد خوزستان ۰-۰ متوقف شد. رتبه دوازدهم جدول ۱۸ تیمی لیگ ایران با دو گل زده و دو گل خورده!

این نتایج گرچه فاجعه‌بار نیست اما مدیران تیم تبریزی که معمولاً صبورانه با چالش‌ها برخورد نمی‌کنند تصمیم گرفتند پرونده منصوریان را ببندند. از تیمی که محمدرضا اخباری، محمدرضا خانزاده، اکبر ایمانی، مسعود شجاعی، اشکان دژاگه، احسان حاجی صفی، مهدی تیکدری، محمد عباس‌زاده، میلاد فخرالدینی، حمید بوحمدان، امین اسدی و... را در اختیار دارد که بسیاری از آنها سابقه بازی در لیگ برتر را دارند و از حیث بازی ملی احتمالاً روی هم بیشترین تعداد بازی را میان تیم‌های لیگی دارند (۲۵۷ بازی برای مثلث دژاگه، حاجی صفی، شجاعی) انتظار بیشتری می‌رود اما این همه شتاب برای اخراج سرمربی کمی عجیب است.

در اینکه تیم منصوریان چشم‌نواز بازی نمی‌کرد تردیدی نیست. بعد از رفتن ساکت الهامی، منصوریان زمان زیادی در اختیار نداشت. او ۲۷ شهریور سرمربی این تیم شد. تبریزی‌ها انتظار چه معجزه‌ای داشتند؟ فراموش نکنیم که حتی وقتی برانکو به عنوان یک مربی مشهور به پرسپولیس پیوست در فصل اول این تیم تا نزدیکی‌های ته جدول سقوط کرد و رقیبان کری می‌خواندند «پرسپولیس قهرمان، تو لیگ برتر بمان!» و حالا چهار سال است با چنگ و دندان همان پرسپولیس را از صدر جدول نمی‌توانند به زیر بکشند.

پیش‌تر هم نوشته بودم که تراکتور تیم بزرگی است. بی‌نیاز از تعریف و نان قرض دادن و هندوانه زیر بغل گذاشتن هواداران‌شان. در چند سال اخیر دو بار جام حذفی را با شایستگی فتح کردند و به شخصه معتقدم به دلیل خودزنی و حاشیه‌های داخلی دست‌کم یک بار از فتح لیگ برتر محروم شدند. اثبات این نکته کار آسانی نیست، به ویژه برای آن دسته از هواداران که همیشه دنبال «دشمن خارجی» و «توطئه تهرانی‌ها» می‌گردند ولی با این سبک انتصاب و اخراج سرمربی برای قهرمان شدن به معجزه نیاز دارند.

تراکتور به آرامش و صبوری نیاز دارد، نه اینکه گزارشگر این تیم برای مزه‌پرانی وُکری خواندن تیم پرسپولیس را «پیروزی» خطاب کند و لابد برایش سوت و کف بزنند که شاخ کرگدن شکسته. تیم‌های بزرگ به حاشیه‌هایی از این دست نیازی ندارند. آنها به اهداف بزرگ فکر می‌کنند. تا افرادی با این افکار و حاشیه‌سازی‌ها پیرامون تراکتور وجود دارد بعید است مردم فوتبال دوست تبریز قهرمانی در لیگ برتر را جشن بگیرند. البته که صلاح مُلک خویش آقای زنوزی را داند!

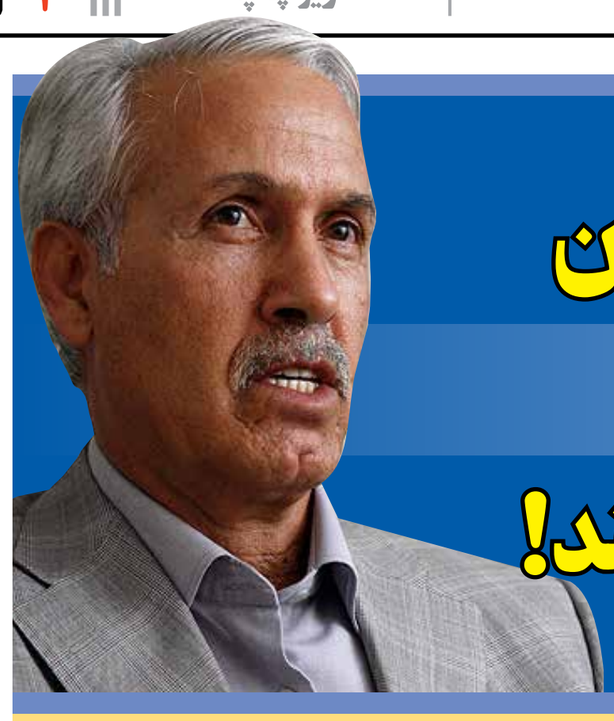

ذوالفقارنسب: شوکر کارآمدی دایی را ندارد اما رئیس است

برخی مسئولان فدراسیون حتی نمی‌توانند الفبای انگلیسی را بنویسند!

عمداً نمی‌گذارند رأی بدهیم

گفت‌وگو

امیر اسدی @amir_asadi62

تغییرات در اساسنامه فدراسیون فوتبال، انتخابات آتی و همچنین بحث‌ها و شایعه‌هایی که در این مورد وجود دارد، همه و همه دست به دست هم داده تا جو عجیبی اطراف این فدراسیون تشکیل شود. کاندیداها در حال فعالیت انتخاباتی هستند و هریک سعی دارند بعد از رایزنی با اعضای مجمع بتوانند آرای آنها را به خود اختصاص بدهند. در این بین اما کانون مربیان فوتبال ایران حق رأی ندارد و همین مسأله ناراحتی و عصبانیت بیژن ذوالفقارنسب، رئیس کانون را به همراه دارد. ذوالفقارنسب که جزو افراد موجه و تحصیلکرده فوتبال ایران محسوب می‌شود، در گفت‌وگو با ایران ورزشی به انتقاد از این تصمیم می‌پردازد و معتقد است نماینده کانون می‌تواند به اندازه ۱۰ عضو مجمع تأثیرگذار باشد.

می‌خواهیم درباره انتخابات فدراسیون فوتبال، تغییر اساسنامه و قوانینی که به تازگی تأیید شده صحبت کنید. با توجه به شرایط فعلی آیا می‌توانیم به تغییرات اصولی و حضور افرادی جدید در رأس امور فدراسیون خوشبین باشیم؟

ببینید مهم نظرافرادی است که به هر دلیلی در قبال اعضای فدراسیون و آنهایی که سرکار بودند و یا الان هستند، به گونه‌ای عمل کردند تا تمام ارکان راتحت سلطه خودشان دربیاورند. البته هر جا که نیازبه نظر جامعه ورزش باشد، آنقدر افراد تحصیلکرده وجود دارند که بتوانند نظر بدهند و وقایع را به بهترین شکل پیش ببرند. طی سال‌های اخیر وبه دلیل توسعه دانشکده‌های تربیت بدنی در سطح کشور، تعداد تحصیلکرده‌ها بیشتر شده و افراد خبره ورزشی حضور در دانشگاه را نیز تجربه کرده‌اند. شاید تجربه یا سابقه‌ای نداشته باشند اما می‌توانند نظر بدهند و از خیلی‌های دیگر بهتر عمل کنند.

منظورتان از خیلی‌های دیگر مسئولان فعلی یا سابق فدراسیون است؟

متأسفانه کارمندان سابق سازمان تربیت بدنی به فدراسیون رسیده‌اند و افراد موجه و تحصیلکرده جایی در تشکیلات ندارند. آنها در فدراسیون فوتبال گروه تشکیل داده‌اند و خط و مرز هم تعیین می‌کنند. همین‌ها مانع حضور افراد واجد شرایط، واجد صلاحیت و تحصیلکرده می‌شوند. با حضور این افراد، آنهایی که توانایی دارند نمی‌توانند به فدراسیون فوتبال راه پیدا کنند.

یعنی باند تشکیل داده‌اند تا خودشان بمانند؟

به مرور زمان باند هم تشکیل داده‌اند و با توجه به منافعی که در اساسنامه دارند- منافع حتماً مالی نیست و می‌تواند اجتماعی و ورزشی هم باشد - کاملاً مانع حضور افراد باتجربه و به قول فوتبالی‌های قدیم استخوان خردکرده شده‌اند. عملاً دو سه دوره است که چنین شرایطی را می‌بینیم و کاری هم نمی‌شود انجام داد.

البته قوانین را تا حدودی تغییر داده‌اند. به عنوان مثال ۱۰ سال تجربه مدیریت یا تأیید ۱۰ نفر را حذف کرده‌اند.

آن قانون تأیید دیگر یک قانون تابلو و عجیب در سطح بین‌المللی بود. یک قانون سخت، پیچیده و عجیب. آن قانون را عوض کردند و البته تجربه ۱۰ سال مدیریت را برداشتند. میشل پلاتینی تنها چند سال بعد از پایان فوتبال خود مدیر شد و یا داور شوکر در کرواسی چند سالی است که ریاست فدراسیون فوتبال این کشور را بر عهده دارد و هنوز هم فعالیت می‌کند. شوکر البته هیچگاه کارآمدی و سابقه علی دایی را نداشته اما رئیس فدراسیون فوتبال کرواسی است. دایی جدا از تجاربی که در فوتبال بین‌المللی دارد به چند زبان هم مسلط است. واقعاً نمی‌دانم اینها چه می‌خواهند و یک مدیر دیگر باید چه خصوصیاتی داشته باشد؟ توهین نمی‌کنم اما افرادی که طی این سال‌ها در فدراسیون کار کرده‌اند حتی الفبای انگلیسی را نمی‌توانند بنویسند. این افراد بر اساس عدم مدیریت توانمند در سطح کلان ورزش انتخاب شده‌اند و خود آنها هم صلاحیت و وجاهت لازم را نداشته و ندارند.

با این اوضاع نباید انتظار بهبود این وضعیت را داشته باشیم؟

تا این مسائل حل نشود نباید توقع داشته باشیم انتخابات سالمی برگزار شود. به نظر من مدیران یا افرادی باید وارد عرصه شوند که نیاز مالی هم نداشته باشند. تا این افراد که البته باید خبره مدیریت ورزشی هم باشند نیایند و به فدراسیون راه پیدا نکنند، اوضاع به همین منوال پیش خواهد رفت و من از این بابت بسیار متأسف هستم.

یعنی شما معتقدید یکی مثل علی دایی می‌تواند رئیس فدراسیون فوتبال شود؟

من حرف‌هایم را درباره دایی زدم اما کسی نمی‌تواند بگوید جایگاهی مثل فدراسیون فوتبال متکی به یک فرد است. ضمن اینکه انتخابات فدراسیون فوتبال یک ایراد اساسی دیگر هم دارد.

چه ایرادی؟

در انتخابات ریاست فدراسیون فوتبال متأسفانه مجمع را کوچک نگه داشته و آرای جمعیتی در حدود ۶۰، ۷۰ نفر نمی‌تواند برگرفته از عقاید کل افراد باشد. در اروپا انتخابات را با حدود ۱۷۰ یا ۱۸۰ نفر برگزار می‌کنند. در بین این ۱۸۰ نفر حتماً ۲۰ تا ۳۰ نفر آدم آگاه هم هستند که می‌توانند نظرات منطقی خود را به دیگران منتقل کنند. شما گفتید علی دایی اما چندین فرد دیگر هم داریم که تفکرات خوب دارند و می‌توانند به مدیرانی توانمند تبدیل شوند. تعداد نفرات حاضر در مجمع کم است و متأسفانه خیلی از آنها متعلق به ارگان‌های معمولی هستند. به عنوان نمونه نمایندگان آموزش و پرورش، ارتش و حتی وزارت کار هم حق رأی دارند. من معتقدم هر چه تعداد نفرات بیشتر شود، بهتر می‌توان انتخابات را برگزار کرد. ما مجمع را محدود و ناشناخته نگه داشته‌ایم و اعضای هیات رئیسه هم توان لازم را ندارند. آنها باید بتوانند در مجلس و دولت رفت و آمد کنند که این کار را انجام نمی‌دهند.

البته درباره اعضای هیات رئیسه که بحث و انتقاد فراوان است و نمونه‌اش را در قرارداد مارک ویلموتس هم مشاهده کردیم.

دقیقاً همینطور است. الان یک عده هستند که می‌نشینند و در مورد مباحثی سخیف و کوچک بحث می‌کنند. با این شرایط نتیجه می‌گیریم که فوتبال‌مان پیشرفت نخواهد کرد. به جای این اعضا، افراد تحصیلکرده ورزشی به دلیل شناخت و ارتباط‌شان می‌توانند فدراسیون فوتبال را قویتر کنند. وقتی آقایان هشت سال در فدراسیون حکومت می‌کنند و هشت سال مدیریت ضعیفی اجرا می‌شود، چه توقعی داریم که فوتبال ارتقا پیدا کند؟ باید فرصت بدهیم به فوتبالیست‌های باسابقه‌ای که در دانشگاه هم تحصیل کرده یا می‌کنند. باید اینها را میدان بیاورند، نه اینکه در اتاق دربسته بنشینند و تصمیمات پیچیده بگیرند. من متأسفم از عملکرد فدراسیون فوتبال در سال‌ها و دوره‌های قبل و نمی‌دانم دیگر باید چه حرفی درباره آنها به زبان بیاورم.

هیچگاه شده که خودتان تصمیم بگیرید به عنوان گزینه ریاست وارد انتخابات شوید؟

مگر اجازه می‌دهند کسی ورود کند؟

اما الان می‌شود ثبت نام کرد.

توهین نمی‌کنم اما افرادی که طی این سال‌ها در فدراسیون کار کرده‌اند حتی الفبای انگلیسی را نمی‌توانند بنویسند. این افراد بر اساس عدم مدیریت توانمند در سطح کلان ورزش انتخاب شده‌اند و خود آنها هم صلاحیت و وجاهت لازم را نداشته و ندارند

الان گروه‌های مختلف کار خودشان را انجام می‌دهند تا گزینه مورد نظر روی کار بیاید. من ۱۰ سال است ریاست کانون مربیان را بر عهده دارم. به نظرم نماینده کانون می‌تواند حتی از ۱۰ عضو فعلی مجمع هم مؤثرتر باشد اما یک گروه خاص و ویژه عمداً از حضور نماینده پنج شش هزار مربی تحصیلکرده در انتخابات مجمع و دادن رأی جلوگیری می‌کنند.

واقعاً؟ مگر کانون مربیان یک رأی ندارد؟

نه، متأسفانه نه. می‌گویند کانون صلاحیت ندارد اما من نمی‌دانم چه کسی باید ما را تأیید کند. تمام مربیان عضو کانون مدرک مربیگری ای اف سی و فدراسیون فوتبال را دارند. در عجبم که نماینده یا نماینده‌های این مربیان نمی‌تواند در مجمع حضور داشته باشد. الان ما ۱۰ سال است صحبت می‌کنیم اما فکر می‌کنند اگر نماینده ما آنجا برود برای تعدادی از اعضا و گزینه‌ها مشکل ایجاد می‌کند. ما شرافت خودمان را به مجمع می‌آوریم، نه باند باز هستیم و نه سابق منفی داریم. الان دو دوره است که مدیر کانون مربیان هستم. این هم از خوش‌شانسی من یا هر چیز دیگری است که نام رئیس کانون بیژن ذوالفقارنسب است. من اما نمی‌توانم در مجمع حاضر باشم و در انتخاب رئیس فدراسیون فوتبال شرکت کنم. جالب نیست؟

در تمام دنیا همینطور است؟ آیا کانون مربیان یا همان اتحادیه مربیان حق رأی دارد؟

شما می‌توانید در اساسنامه کشورهای اروپایی مثل آلمان و فرانسه جست و جو کنید و ببینید نماینده‌های کانون مربیان که در انتخابات شرکت می‌کنند چند نفر هستند. چرا در ایران یک نفر از کانون هم نمی‌تواند رأی بدهد؟ بارها درخواست دادیم اما مدام می‌گویند نه. الان هم که می‌بینیم سرمربی تیم ملی را به عنوان نماینده مربیان انتخاب کرده‌اند تا در مجمع شرکت کند و رأی بدهد. حالا که او خارجی است، دستیارش می‌تواند رأی بدهد. درست مانند زمان مربیگری کارلوس کی‌روش که دستیار او در مجمع شرکت می‌کرد.

یعنی معتقدید عمدی در کار است؟

من که می‌گویم عمدی است. اینها اساسنامه فیفا را رعایت نکرده‌اند. اساسنامه فیفا می‌گوید نماینده مربیان باید شخص برگزیده کانون یا اتحادیه مربیان باشد. قطر، امارات و تمام کشورهای اروپایی نیز این موضوع را رعایت می‌کنند. متأسفانه تعداد اعضای مجمع محدود است و ما هم جایی در فدراسیون فوتبال نداریم. فدراسیون ما درست مانند بخش خصوصی است که فقط منافع خودشان را در نظر می‌گیرند و به بقیه کاری ندارند.

در این زمینه اعتراض هم کرده‌اید؟

اعتراض به جایی نمی‌رسد. وزارت می‌گوید حق با شما است اما وقتی آنجا می‌روند و دور یک میز می‌نشینند اصلاً بحثش را هم مطرح نمی‌کنند.

پس خیلی به بهبود وضعیت فوتبال ایران امیدوار نباشیم؟

من دوست دارم حرف‌های امیدوارکننده بزنم اما واقعاً نمی‌شود. البته اگر همین اعضای مجمع بر اساس منطق، معادلات بین‌المللی، اصول و عرف ورزشی کار کنند، کشور ما آنقدر استعداد و انرژی مثبت دارد که بتواند در آسیا حرفی برای گفتن داشته باشد. اما می‌بینیم که می‌روند و اساسنامه کویت را کپی می‌کنند و برای فیفا می‌فرستند. این برای جامعه فوتبال ما مایه تأسف است. ما سال‌ها در آسیا پیشگام بودیم و حرف اول را می‌زدیم اما حالا باید این کار سخیف را انجام بدهیم. کره، چین و ژاپن مربیان با تجربه اروپایی استخدام کردند اما ما چه فرقی با دو سه دهه قبل کرده‌ایم؟ الان دیگر تفکرات ۳۰ سال قبل جواب نمی‌دهد اما ما همچنان دوست داریم از سنت استفاده کنیم و نتیجه همین می‌شود که مشاهده می‌کنیم.

خبر

دوئل ایرانی‌ها برنده نداشت

بازگشت محمدی به ترکیب العربی

العربی در حضور تعویضی مهرداد محمدی، مهاجم ایرانی خود مقابل الریان به تساوی رسید. براین اساس و در چارچوب مسابقات هفته هشتم لیگ ستارگان قطر، تیم العربی که پس از پنج مسابقه مهرداد محمدی را دوباره در فهرست و مهدی ترابی را به خاطر آسیب دیدگی در لیست نداشت، در ورزشگاه جاسم بن حمد میزبان الریانی بود که شجاع خلیل‌زاده را در ترکیب و روی نیمکت نمی‌دید.

الریان در دقیقه ۱۹ با شوت تماشایی عبدالعزیز حاتم به گل رسید اما العربی در دقیقه ۳۵ روی یک کار تیمی و شوت روی پاس پای عبدالعزیز الانصاری گل تساوی را زد.

در نیمه دوم الریان و العربی تغییرات هجومی انجام دادند و مهرداد محمدی هم از دقیقه ۷۷ به جای گلزن تیمش وارد زمین شد، اما در نهایت بازی با تساوی یک بر یک خاتمه یافت.

العربی با این تساوی شش امتیازی شد و به رده نهم جدول لیگ ستارگان قطر صعود کرد و الریان هم در روز غیبت شجاع خلیل‌زاده به دلیل مصدومیت، با ۱۲ امتیاز و صعود یک پله‌ای در جایگاه چهارم ایستاد.

شکست الدحیل با دفاع راست ایرانی

رضاییان گل نزد و تعویض شد

در دیدار آغازین هفته هشتم لیگ ستارگان قطر، تیم الدحیل که مثل تمام مسابقات این فصل رامین رضاییان را در ترکیب داشت، در استادیوم عبدالله بن خلیفه با السیلیه رده هشتمی بازی کرد.

السیلیه روی دو توپ ارسالی از کرنر به دو گل در نیمه اول دست پیدا کرد و یاران رضاییان با شکست دو بر صفر به رختکن رفتند.

در نیمه دوم تلاش الدحیل برای جبران نتیجه و همچنین تغییرات هجومی این تیم که خروج رامین رضاییان از زمین در دقیقه ۶۰ یکی از آنها بود، تنها یک گل به همراه داشت تا در نهایت با نتیجه دو بر یک در این بازی خانگی مغلوب شوند.

تیم فوتبال الدحیل با این شکست که چهارمین باخت فصل آنها بود، ۱۲ امتیازی ماند و نتوانست از جایگاه چهارم جدول لیگ ستارگان قطر بالا برود.

رامین رضاییان، مدافع ایرانی الدحیل که در این فصل دو گل در رقابت‌های لیگ ستارگان قطر به ثمر رسانده، در حضور ۶۰ دقیقه‌ای خود در زمین نتوانست مثل هفته قبل گل بزند و بازی قابل قبولی به نمایش بگذارد.

شاگردان مربی اسپانیایی به آمریکا هم می‌روند

قطر و سانچز در رقابت‌های اروپایی

یوفا قطر را دعوت کرده تا به گروه نخست رقابت‌های مقدماتی جام جهانی در قاره اروپا بپیوندد. در این گروه، تیم‌های پرتغال، صربستان، ایرلند، لوکزامبورگ و آذربایجان حاضر هستند و قطر به عنوان تیم ششم، به این گروه اضافه خواهد شد. قطر تمام مسابقات را در اروپا انجام خواهد داد.

از آنجا که آنها به عنوان میزبان جواز حضور در جام جهانی را به صورت اتوماتیک دریافت کرده‌اند، به دنبال حضور در مسابقاتی هستند تا بتوانند برای شرکت در اولین جام جهانی‌شان، آمادگی کامل داشته باشند. قطری‌ها همچنین قرار است سال آینده در هر دو تورنمنتی که در منطقه آمریکای جنوبی برگزار می‌شود، شرکت کنند.

آنها ابتدا از ۱۱ ژوئن تا ۱۰ ژوئیه با تیم‌های کلمبیا، برزیل، اکوادور، پرو و ونزوئلا در کوپا آمریکا رقابت خواهند کرد. سپس یک تیم قطری در مسابقات گلد کاپ شرکت می‌کند که با حضور قهرمان آمریکای شمالی و مرکزی و کارائیب در آمریکا برگزار خواهد شد.

بحران عادی شدن ترکیب فوتبال - شرطبندی

این روزها همه بت می‌زنند، شما چطور؟

بحران سایت‌های شرطبندی موضوع تازه‌ای در فوتبال ایران نیست اما تازه نبودن یک بحران، دلیل بر فراموشی آن نیست.

این بحران کهنه اما این روزها با ورود سلبریتی‌ها و حتی یکی از چهره‌های فوتبالیست به این عرصه، به بحران جدی‌تری هم تبدیل شده است.

گرچه سال‌هاست که درباره بحران شرطبندی گفته می‌شود و ابهام‌های فراوانی نظیر مشارکت درگاه‌های بانکی در فرآیند واریز پول به حساب این سایت‌ها مطرح می‌شود اما تاکنون کار جدی در جهت مقابله با این اقدامات انجام نشده است.

تنها توجیهی که درباره استفاده این سایت‌ها از درگاه‌های بانک داخلی مطرح می‌شود این است که در سیستم اعطای درگاه بانکی به سایت‌های مختلف، امکان بررسی ماهیت سایت وجود ندارد.

این مشکل اما طی همه سال‌های اخیر حل نشده و کار به جایی رسیده است که وقتی سایت‌های شرطبندی را در اینترنت جست و جو می‌کنید، لیستی از سایت‌هایی را مقابل چشمان‌تان خواهید داشت که برای اعتبار بخشیدن به خود از عبارت «با درگاه مستقیم و معتبر بانکی» استفاده کرده‌اند.

سایه این سایت‌های شرطبندی و عطش مخاطبان فوتبال به فعالیت در آنها به گونه‌ای از کنترل خارج شده و به دست افرادی در ترکیه افتاده است که برای جلوگیری از آن تقریباً کاری از کسی برنمی‌آید.

سال‌هاست بهمن فروتن، مربی سابق تیم ملی از رسوخ علاقه به شرطبندی در فوتبال پایه و مسیر متفاوتی که فرهنگ شرطبندی پیش روی بازیکنان فوتبال می‌گذارد، گفته است امانه تنها کاری برای مقابله با آن نشده که حتی تلاشی هم صورت نگرفته که لااقل در مسیر درستی قرار بگیرد.

همین بی‌توجهی‌ها هم کار را به جایی می‌رساند که استعدادی چون پیام صادقیان، در روزهایی که می‌تواند در فوتبال بدرخشد، تأسیس سایت بت و ورود رسمی به عرصه شرطبندی در کشوری دیگر را به بقا در فوتبال می‌بخشد تا خود او هم مثل صدها سلبریتی پذیرفته شده دیگر، عامل کشش بیشتر جوانان به سمت بت باشند.

«سعدالله امیرشقاقی» ملقب به دکتر و «فرشید امیرشقاقی» ملقب به مونتیگو، پدر و پسر ساکن در ترکیه هستند که به واسطه برنامه‌نویسی سایت‌های شرطبندی به زبان فارسی، پنل اصلی و مادر همه سایت‌های شرطبندی را در اختیار دارند و همه افرادی که در فضای مجازی سایت‌های شرطبندی را تبلیغ می‌کنند، مستقیم یا غیرمستقیم باید برای آنها کار کنند تا جامعه‌ای را تشکیل دهند که بت، راحت‌تر فوتبال را ببلعد.

سوژه

شکست تلخ زنیت مقابل دورتموند

گل سوخته سردار

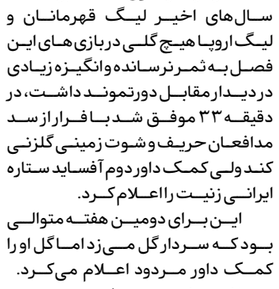

در یکی از مسابقات هفته ششم و پایانی مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا، تیم زنیت سنت‌پترزبورگ که سردار آزمون را برای سومین بازی متوالی در ترکیب و خط حمله داشت، در ورزشگاه گازپروم آرنا به مصاف تیم از پیش صعود کرده دورتموند رفت.

زنیت که امیدی به صعود نداشت و به نظر می‌رسید انگیزه‌ای در این دیدار نداشته باشد، برخلاف انتظار در شروع مسابقه توپ و میدان را در اختیار گرفت، نمایش بهتری از دورتموند ارائه کرد و حتی توانست به گل برسد.

یاران آزمون در دقیقه ۱۶ روی یک کارتیمی عالی که با پرتاب اوت از سمت چپ زمین شروع شد و به جناح راست رفت، با پاس کات بک سوتورمین و شوت ساستین دریوسی دروازه زنبورها را باز کردند.

سردار آزمون که برخلاف سال‌های اخیر لیگ قهرمانان و لیگ اروپا هیچ گلی در بازی‌های این فصل به ثمر نرسانده و انگیزه زیادی در دیدار مقابل دورتموند داشت، در دقیقه ۳۳ موفق شد با فرار از سد مدافعان حریف و شوت زمینی گلزنی کند ولی کمک داور دوم آفساید ستاره ایرانی زنیت را اعلام کرد.

این برای دومین هفته متوالی بود که سردار گل می‌زد اما گل او را کمک داور مردود اعلام می‌کرد.

زنیت نیمه دوم را هم هجومی آغاز کرد و در دقیقه ۴۷ با پاس در عرض الکساندر اروخین می‌توانست توسط سردار به گل برسد که ماروین هیتزتوپ را جمع کرد.

دورتموند که نمی‌خواست بازنده این مسابقه خارج از خانه باشد، به مرور زمان جلو آمد و در دقیقه ۵۷ با ضربه سر توروگان هازارد شانس خود را برای گلزنی امتحان کرد که دروازه‌بان توپ را در اختیار گرفت.

در دقیقه ۶۱ زنیت صاحب موقعیت خوبی شد که حرکت سردار آزمون اجازه نداد این فرصت تبدیل به گل شود و شوت مهاجم ایرانی توسط مدافعان دورتموند برگشت داده شد و دو دقیقه پس از آن هم ارسال کوتاه سردار از جناح راست و ضربه سر مالکوم از کنار دروازه حریف آلمانی به بیرون رفت.

دورتموند که چندین بار روی شوت‌های راه دور به دنبال گلزنی بود، بالاخره در دقیقه ۶۸ روی ارسال از کرنر جناح راست زمین که به سمت چپ محوطه جریمه زنیت رفت و به رویس رسید، با پاس این بازیکن به هوملس و شوت این مدافع پیش‌تاخته که توسط دروازه‌بان زنیت برگشت داده شد، توسط پیشچک گل تساوی را به ثمر رساند.

زنبورها که حملات زهردارشان روی دروازه زنیت را پس از زدن گل تساوی ادامه داده بودند، در دقیقه ۷۹ روی توپی که از موقعیت زنیت تبدیل به ضدحمله کردند، با پاس سانچو و شوت پای چپ ویتسل از پشت محوطه جریمه به گوشه دروازه گل دوم را به ثمر رساندند.

در دقیقه ۸۲ رینا با دفع توپ عالی اجازه نداد توپ ارسالی از کرنر و ضربه سر جیوبا در محوطه شش قدم به سردار آزمون برسد و سه دقیقه پس از این موقعیت خطرناک هم زنیت سنت‌پترزبورگ دو حمله پیاپی انجام داد ولی این بار امره جان اجازه نداد سردار آزمون شوت خود را تبدیل به گل کند.

در نهایت این مسابقه با برتری دو بر یک دورتموند آلمان مقابل زنیت سنت‌پترزبورگ به پایان رسید تا شاگردان لوسین فاوره با این برد ۱۳ امتیازی و صدرنشین گروه F لیگ قهرمانان اروپا شوند.

سردار آزمون که در دقیقه ۱۰ بازی مقابل دورتموند کارت زرد گرفت، در چهارمین مسابقه‌اش برای زنیت نتوانست در مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا موفق به گلزنی شود و با بدشانسی موقعیت‌های او یکی پس از دیگری هدر رفت.

همچنین در دیگر مسابقه این گروه، لاتزیو ی ایتالیا به تساوی دو بر دو خانگی مقابل کلوب بروژ رسید تا ۱۰ امتیازی شود و با دو امتیاز بیشتر نسبت به حریف بلژیکی خود، در رده دوم جدول قرار بگیرد و به مرحله یک شانزدهم نهایی لیگ قهرمانان اروپا برسد.

لاتزیو از سال ۱۹۹۹ نتوانسته بود از مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا صعود کند که پس از حدود ۲۱ سال طلسم شکنی کرد و به جمع ۱۶ تیم نهایی این رقابت‌ها راه یافت.